

استاندارد حسابداری شماره ۱۴  
نحوه ارائه داراییهای جاری و بدهیهای جاری



# استاندارد حسابداری شماره ۱۴

## نحوه ارائه داراییهای جاری و بدهیهای جاری

### فهرست مندرجات

شماره بند	
۱	• مقدمه
۲	• دامنه کاربرد
۳ - ۵	• دیدگاههای موجود در مورد داراییهای جاری و بدهیهای جاری
۶ - ۱۰	• محدودیتهای تفکیک اقلام جاری و غیر جاری
۱۱ - ۱۲	• داراییهای جاری
۱۳ - ۱۵	• بدهیهای جاری
۱۶	• تجدید طبقه بندی داراییها و بدهیها
۱۷ - ۱۸	• نحوه ارائه در صورتهای مالی
۱۹	• تاریخ اجرا
۲۰	• مطابقت با استانداردهای بین المللی حسابداری

## استاندارد حسابداری شماره ۱۴ نحوه ارائه داراییهای جاری و بدهیهای جاری

این استاندارد باید با توجه به "مقدمه‌ای بر استانداردهای حسابداری" مطالعه و بکار گرفته شود.

### مقدمه

۱. از جمله اطلاعات مفیدی که می‌تواند در تحلیل وضعیت مالی واحد تجاری برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی مفید واقع شود، ارائه جداگانه داراییهای جاری و بدهیهای جاری در ترازنامه است. معمولاً به مازاد داراییهای جاری بر بدهیهای جاری، "خالص داراییهای جاری" یا "سرمایه در گردش" و به مازاد بدهیهای جاری بر داراییهای جاری "خالص بدهیهای جاری" اطلاق می‌شود.

### دامنه کاربرد

۲. این استاندارد باید برای ارائه داراییهای جاری و بدهیهای جاری در ترازنامه بکار گرفته شود.

### دیدگاههای موجود در مورد داراییهای جاری و بدهیهای جاری

۳. از نظر برخی، هدف از طبقه‌بندی داراییها و بدهیها به "جاری" و "غیر جاری"، ارائه معیاری تقریبی از نقدینگی واحد تجاری، یعنی توانایی آن در انجام فعالیت‌های روزمره، بدون مواجهه با مشکلات مالی است. برخی دیگر، به این طبقه بندی به عنوان ابزاری برای تشخیص آن حصه از منابع و تعهدات واحد تجاری می‌نگرند که گردش مستمر دارد.

۴. اهداف مزبور تاحدی با یکدیگر ناسازگار است، زیرا در سنجش نقدینگی، ملاک طبقه‌بندی داراییها و بدهیها به جاری یا غیرجاری، امکان نقد شدن و یا تسویه آنها در آینده نزدیک است، ولی معیار تشخیص داراییها و بدهیها به عنوان "اقلام در گردش" عمدتاً معطوف به مصرف یا تسویه آنها در راه ایجاد درآمد طی چرخه عملیاتی معمول واحد تجاری است. چرخه عملیاتی یک واحد تجاری، معمولاً متوسطاً فاصله زمانی بین "تحصیل موادی که وارد فرایند عملیات می‌شود" و "تبدیل نهایی آنها به وجه نقد" است.

۵. با توجه به نظرات متفاوت بالا، معمولاً اقلامی جزء داراییهای جاری منظور می‌شود که انتظار رود ظرف یک سال یا طی چرخه عملیاتی معمول واحد تجاری، هر کدام طولانی‌تر است، به وجه نقد یا دارایی دیگری که نقد شدن آن قریب به یقین است تبدیل شود و اقلامی در عداد بدهیهای جاری محسوب می‌شود که انتظار رود طی چرخه عملیاتی معمول واحد تجاری یا ظرف یک سال از تاریخ ترازنامه، هر کدام طولانی‌تر است، تسویه گردد. هرگاه چرخه عملیاتی واحد تجاری نامشخص یا خیلی طولانی باشد، تفکیک داراییها و بدهیها در صورتهای مالی تحت عناوین جاری و غیرجاری به ترتیب یاد شده مناسب نخواهد بود. نحوه عمل بالا یک قاعده کلی است که بیشتر جنبه قراردادی دارد و لذا در مواردی ممکن است انعکاس یا عدم انعکاس اقلامی خاص به عنوان داراییهای جاری یا بدهیهای جاری لزوماً با معیارهای فوق تطبیق نداشته باشد.

#### محدودیت‌های تفکیک اقلام جاری و غیرجاری

۶. کلیه واحدهای تجاری، به استثنای موارد مذکور در بند ۷، باید با رعایت الزامات مندرج در بندهای ۱۱ الی ۱۸، داراییهای جاری و بدهیهای جاری را به عنوان طبقاتی جداگانه در ترازنامه منعکس کنند.

۷. طبقه‌بندی برخی اقلام دارایی و بدهی به عنوان داراییهای جاری و بدهیهای جاری در مورد آن دسته از واحدهای تجاری که در ارتباط با نحوه طبقه‌بندی و ارائه داراییها و بدهیها مشمول استانداردهای حسابداری خاص یا مفاد قوانین آمره مشخص است و نیز آن دسته از واحدهای تجاری که چرخه عملیاتی آنها نامشخص یا خیلی طولانی باشد، الزامی نیست. این واحدهای تجاری باید از ارائه جمعهای فرعی برای داراییها و بدهیها که در ذهن استفاده‌کنندگان صورتهای مالی طبقه‌بندی موصوف را تداعی کند، پرهیز کنند.

۸. عموماً عقیده بر این است که آنچه از تفکیک اقلام جاری و غیرجاری حاصل می‌شود، مشخص شدن داراییهای نسبتاً سریع‌التبدیل به وجه نقد واحد تجاری است که در مقابل تعهداتی که سررسید آنها طی چرخه عملیاتی معمول واحد تجاری فرامی‌رسد به عنوان عاملی احتیاطی یا حفاظتی عمل می‌کند. با این حال در واحدهای تجاری دارای تداوم فعالیت، نقش داراییهای جاری به عنوان حفاظتی در قبال تعهدات جاری همواره مصداق ندارد، بلکه در مواردی واحد تجاری باید جهت ادامه عملیات خود برای مثال موجودی کالای فروش رفته را به طور مداوم با موجودی جدید جایگزین کند. همچنین ممکن است داراییهای جاری شامل موجودی کالایی باشد که انتظار نمی‌رود در آینده نزدیک به فروش رسد.



۹. بسیاری، مازاد داراییهای جاری بر بدهیهای جاری را نشانه وضعیت مالی مطلوب واحد تجاری و مازاد بدهیهای جاری بر داراییهای جاری را نشانه مشکلات مالی واحد تجاری تلقی می‌کنند. اما، این قبیل نتیجه‌گیریها بدون توجه به ماهیت عملیات واحد تجاری و اجزای تشکیل دهنده داراییها و بدهیهای جاری آن منطقی نیست.

۱۰. بدین ترتیب در حالی که عده‌ای عقیده دارند که مشخص کردن داراییهای جاری و بدهیهای جاری از ابزار مفید تجزیه و تحلیل مالی است، برخی دیگر بر این باورند که محدودیتهای تفکیک اقلام به جاری و غیرجاری، مفید بودن آن را کاهش می‌دهد و حتی در بسیاری از موارد، گمراه‌کننده می‌سازد. وضع مقررات کلی برای مشخص کردن داراییهای جاری و بدهیهای جاری در صورتهای مالی ممکن است مانع از توجه بیشتر به این مسائل شود. لذا، الزامات این استاندارد تنها برای هماهنگ کردن رویه‌هایی است که واحدهای تجاری در رابطه با مشخص کردن داراییهای جاری و بدهیهای جاری در صورتهای مالی اتخاذ می‌کنند.

## داراییهای جاری

۱۱. یک دارایی زمانی باید به عنوان دارایی جاری طبقه‌بندی شود که:  
الف. انتظار رود طی چرخه عملیاتی معمول واحد تجاری یا ظرف یکسال از تاریخ ترازنامه، هر کدام طولانی‌تر است، مصرف یا فروخته شود، یا به وجه نقد یا دارایی دیگری که نقد شدن آن قریب به یقین است، تبدیل شود، یا

ب. وجه نقد یا معادل وجه نقدی باشد که استفاده از آن محدود نشده است.

سایر داراییها باید به عنوان داراییهای غیرجاری طبقه‌بندی شود.

۱۲. نمونه اقلامی که به عنوان دارایی جاری طبقه‌بندی می‌شود عبارتست از:

الف. مانده وجوه نقد و مانده حسابهای بانکی، به استثنای مواردی که اعمال محدودیت در مصرف آنها مانع از استفاده این اقلام برای عملیات جاری شود. در مواردی که استفاده از وجوه نقد برای عملیات جاری مشمول محدودیت باشد، تنها در صورتی می‌توان آن را جزء داراییهای جاری منظور کرد که مدت محدودیت حداکثر تا زمان سررسید تعهدی باشد که به عنوان



بدهی جاری طبقه‌بندی شده است یا اینکه محدودیت ظرف یک سال از تاریخ ترازنامه برطرف شود.

ب . حصه‌ای از حسابها و اسناد دریافتی تجاری و غیرتجاری که انتظار می‌رود ظرف یک سال از تاریخ ترازنامه به وجه نقد یا دارایی دیگری تبدیل شود که نقد شدن آن قریب به یقین است.

ج . موجودی مواد و کالا و کار در جریان پیشرفت پیمانهای بلندمدت، صرف نظر از اینکه ممکن است اقلامی از آن احتمالاً ظرف یک سال از تاریخ ترازنامه یا یک چرخه عملیاتی معمول نقد نشود.

د . سهام شرکتها، اوراق مشارکت و سایر اوراق بهاداری که به قصد نگهداری تحصیل نشده و به سهولت قابل نقد شدن است.

ه . پیش‌پرداختهای خرید داراییهای جاری.

و . پیش‌پرداختهای هزینه در مواردی که انتظار می‌رود ظرف یک سال از تاریخ ترازنامه به طور کامل به مصرف برسد.

### بدهیهای جاری

۱۳ . یک بدهی زمانی باید به عنوان بدهی جاری طبقه‌بندی شود که انتظار رود طی چرخه عملیاتی معمول واحد تجاری یا ظرف یکسال از تاریخ ترازنامه، هر کدام طولانی‌تر است، تسویه شود. سایر بدهیها باید به عنوان بدهیهای غیرجاری طبقه‌بندی شود.

۱۴ . بدهیهای عندالمطالبه که انتظار رود ظرف یک سال از تاریخ ترازنامه مطالبه شود و نیز آن قسمت از بدهیهای بلندمدتی که انتظار رود بر مبنای شرایط قرارداد مربوط، ظرف مدت یک سال از تاریخ ترازنامه به دین حال تبدیل شود جزء بدهیهای جاری طبقه‌بندی و توضیحات کافی در این مورد در یادداشتهای توضیحی ارائه می‌شود.

۱۵ . آن دسته از بدهیها و نیز حصه‌ای از بدهیهای بلندمدت از قبیل تسهیلات مالی بانکی و غیربانکی، بدهیهای تجاری، بدهی مالیاتی و پیش‌دریافت از مشتریان که انتظار رود ظرف یکسال از تاریخ ترازنامه تسویه گردد، به عنوان بدهی جاری طبقه‌بندی می‌شود. با این حال، حصه‌ای از یک بدهی



بلندمدت که انتظار رود ظرف یک سال از تاریخ ترازنامه تسویه شود، مشروط بر اینکه داراییهای موجود در تاریخ ترازنامه که بازپرداخت آن بدهی از محل آنها صورت می‌گیرد، به عنوان دارایی جاری طبقه‌بندی نشده باشد، گاهی اوقات تحت عنوان بدهی بلندمدت طبقه‌بندی می‌شود. در مورد اخیر افزایش مبلغ و شرایط مربوط ممکن است ضرورت یابد.

### تجدید طبقه بندی داراییها و بدهیها

۱۶. هرگاه پس از تاریخ ترازنامه ولی قبل از تصویب صورتهای مالی توسط مدیریت واحد تجاری، رویدادهایی در جهت تبدیل داراییها و بدهیهای جاری به داراییها و بدهیهای غیرجاری و به عکس رخ دهد، نحوه برخورد حسابداری با آن طبق استاندارد حسابداری شماره ۵ با عنوان رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه خواهد بود.

### نحوه ارائه در صورتهای مالی

۱۷. جمع کل داراییهای جاری و جمع کل بدهیهای جاری باید در ترازنامه نشان داده شود.

۱۸. مبلغ یک دارایی جاری یا بدهی جاری نباید از بدهی جاری یا دارایی جاری دیگر کسر شود، مگر آنکه شرایط تهاثر داراییها و بدهیها مندرج در استاندارد حسابداری شماره ۱ با عنوان "نحوه ارائه صورتهای مالی" برقرار باشد.

### تاریخ اجرا

۱۹. الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود، لازم‌الاجراست.

### مطابقت با استانداردهای بین‌المللی حسابداری

۲۰. با اجرای الزامات این استاندارد، مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱ با عنوان نحوه ارائه صورتهای مالی نیز رعایت می‌شود.

